

اول ماه می، روز جهانی کارگر را گرامی بداریم!

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu

اول ماه می دیگری از راه رسید. چهارم ماه مه سال ۱۸۸۶، و در چهارمین روز اعتصاب و تجمع کارگران آمریکایی در شهر شیکاگو، پلیس به روی کارگران اعتصابی تیراندازی کرد که شماری کشته، عده ای مجروح بر جای گذاشت و بعداً هم چهار تن از دستگیرشدگان را اعدام کردند. خواست کارگران اعتصابی، تعدیل شرایط کار و کاهش ساعات روزانه کار از ۱۰ ساعت به ۸ ساعت بود. قرار بود که اول ماه مه ۱۸۸۶ در ایالات متحده آمریکا، کاهش ساعات کار به هشت ساعت در روز، به اجرا درآید که چنین نشد و در نتیجه، کارگران در این کشور پهناور دست به اعتصاب و تظاهرات زدند به طوری که در یک هزار و دویست کارخانه و کارگاه، اعتصاب سازمان دهی و برگزار شد. شمار کارگران معترض شهر شیکاگو بیش از سایر شهرها و حدود ۹۰ هزار تن بود. در چهارمین روز تظاهرات شیکاگو، کارگران اعتصابی و حامیان آن ها دست به راه پیمایی زدند. سخن رانان این راه پیمایی بر یک گاری بزرگ سوار بودند و شعار می دادند. پس از طی مسافتی، پلیس اطراف این گاری را گرفت و خواست که تظاهرکنندگان متفرق شوند. اما ناگهان انفجاری روی داد، یک مامور پلیس کشته شد و چند کارگر و پلیس نیز مجروح شدند. این حادثه بهانه ای شد که پلیس به سوی جمعیت تظاهر کننده تیراندازی کرد. آمار کشته شدگان اعلام نشد اما اسامی انبوهی از مجروحان اعلام گردید. پلیس با اعمال خشونت موفق شد کارگران اعتصابی را پراکنده کند. به دنبال این واقعه، هشت تن از فعالین کارگری به عنوان مسبب دستگیر شدند که پنج نفر از آنان کارگر مهاجر آلمانی و یکی هم آلمانی تبعه آمریکا بود. دادگاه یکی از این دستگیرشدگان را به ۱۵ سال حبس محکوم کرد و بقیه محکوم به اعدام شدند که فرماندار ایالت مجازات دو تن از آنان را به حبس ابد تخفیف داد. یکی از محکومان به اعدام، پیش از اجرای حکم خودکشی کرد و چهار نفر دیگر به دار آویخته شدند. اکنون اول ماه می ۲۰۱۰ - ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۹، ۱۲۴ سال از اعتراض کارگران نساجی شیکاگو می گذرد اما هم چنان صف بندی های طبقاتی و مبارزه توده عظیم کارگران با اقلیتی سرمایه دار، هم چنان ادامه دارد.

امسال کارگران ایران و حامیان طبقه کارگر در حالی به استقبال روز جهانی خود می روند که حکومت اسلامی، تمام نیروهای سرکوبگر خود را برای سرکوب کارگران به حال آماده باش درآورده است. اما با این وجود اخبار و گزارشات و فراخوان های برگزاری این روز، از شهرهای سراسر کشور، در سایت های اینترنتی و وبلاگ ها، فیس بوک و غیره منتشر شده است. شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، از کارگران و آزادی خواهان ایران برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در روز شنبه اول ماه می، دعوت کرده است. این مراسم با تجمع در مقابل وزارت کار آغاز می شود و سپس تا میدان انقلاب راه پیمایی انجام می گیرد. در بیانیه شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر آمده است: «امسال در روز جهانی کارگر، ما بر علیه فقر، نابرابری، سطح پایین دستمزدها، حقوق های معوقه، عدم امنیت شغلی، حذف سوبسیدها (طرح هدفمند کردن یارانه ها)، سرکوب های سیاسی و اجتماعی و در یک کلام سرکوب کرامت انسانی خود به اعتراض بر خواهیم خواست. در روز جهانی کارگر سال ۸۹ (شنبه، یازده اردیبهشت)، مهم ترین خواست ها و مطالبات عمومی مردم و به ویژه مطالبات کارگری در شعارها و خواسته های ما و در همه جا مطرح خواهد شد و تلاش ما کارگران بر این خواهد بود که نه تنها در مراسم های این روز، بلکه پس از آن و در هر جا و هر زمان و بیش از پیش برای تحقق این خواسته ها دست به مبارزات خستگی ناپذیر بزنیم.

مراسم در تهران: ساعت ۵ عصر - خیابان آزادی، مقابل وزارت کار و سپس راه پیمایی به سمت میدان انقلاب (عبور از مسیر خیابان های خوش، رودکی، نواب، اسکندری، جمالزاده - میدان انقلاب) شهرستان ها: در مقابل ادارات کار یا مکان های منتخب خود کارگران و در ساعاتی که اعلام می نمایند.»

شکی نیست که کارگران و همه انسان آزاده ای در این مراسم ها حضور فعالی داشته و بر علیه سرمایه داران و حکومت اسلامی حامی سرمایه، و هم چنین خواست ها و مطالبات کارگران و مردم آزادی خواه را رساتر از گذشته فریاد خواهند زد.

گرامی داشت اول ماه مه در ایران، همواره در زیر سانسور و اختناق و سرنیزه مامورین سرکوبگر حکومت اسلامی، برگزار شده است. اما این روز امسال در حال و هوای دیگری برگزار می شود. در یک سال گذشته این حکومت جانی، با اعتراض و اعتصاب کارگران و راه پیمایی های مکرر مردم آزاده رسواتر شده است. فعالین کارگران و تشکل های مستقل کارگری، همواره کوشیده اند در هر شرایطی، حتا در محاصره نیروهای انتظامی - امنیتی نیز روز جهانی خود را گرامی بدارند.

برای نمونه، ۱۱ اردیبهشت سال گذشته، تجمع کنندگان پارک لاله با یورش وحشیانه نیروهای انتظامی - امنیتی روبرو شدند. در حالی که نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی، این پارک را به محاصره نظامی خود درآورده بودند، هم چنین تعدادی را نیز دستگیر کرده بودند، و همه خیابان های منتهی به این پارک رابسته بودند، با این حال جمعیت نسبتا کثیری در برابر تعرض پلیس ایستادند. در جریان تهاجم وحشیانه نیروهای سرکوبگر حکومتی به شرکت کنندگان این مراسم، عده ای مجروح و بیش از ۱۵۰ نفر نیز دستگیر و روانه زندان شدند.

گرامی داشت روز جهانی کارگر در کردستان، در سه دهه گذشته، به اشکال مختلفی برگزار شده است. حتا بسیاری از فعالین کارگری کردستان، به دلیل سازمان دهی و برگزاری مراسم های اول ماه می، دستگیر و زندانی و اعدام شده اند.

یک حرکت مهم و تعیین کننده در سنت برگزاری مراسم مستقل و علنی اول ماه مه کارگران در شرایط سانسور و اختناق حکومت اسلامی، در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۳ برابر با اول ماه می ۲۰۰۴ رخ داد. در این سال، کارگران سقز مراسم روز جهانی کارگر را به طور علنی و با برنامه ای از پیش تعیین شده در میدان مرکزی شهر و در مقابل نیروهای انتظامی حکومت برگزار کردند، که با استقبال بی نظیر کارگران و مردم شهر روبرو شد. نیروهای سرکوبگر حکومت به تجمع اول کارگران و مردم مبارز سقز حمله کردند. در این حمله ۴۰ تا ۵۰ نفر از کارگران و از جمله محمود صالحی، جلال حسینی، محمد عبدی پور، برهان دیوانگرد، محسن حکیمی، هادی تنومند و اسماعیل خودکام، دستگیر می شوند. همه دستگیر شدگان غیر از هفت نفر آزاد می شوند. محمود صالحی، جلال حسینی، محمد عبدی پور، برهان دیوانگرد، محسن حکیمی، هادی تنومند و اسماعیل خودکام، به زندان سنندج انتقال داده می شوند. دستگیرشدگان اول ماه مه سقز که در دوران بازداشت خود ۱۰ روز اعتصاب غذا کردند در تمام بازجویی ها، خود را از تمام اتهامات وارده مبرا دانستند، تمامی اتهامات را قاطعانه رد کردند.

با دستگیری این هفت تن از فعالین کارگری در مراسم اول ماه می سقز، و وقایع پس از آن، اهمیت این حرکت را چندین برابر کرد و موجی از حمایت کارگران در سایر شهرهای ایران و نیز نهادهای بین المللی و تشکل های کارگری در اروپا و آمریکا از کارگران زندانی و حق طبقه کارگر ایران از جمله در برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه را به دنبال آورد. در واقع مهم ترین تجربه و دستاورد مراسم اول ماه مه ۸۳ در شهر سقز، این بود که کارگران با اتحاد و همبستگی خود می توانند مراسم مستقل خود را بر حاکمیت جهل و اختناق و ترور اسلامی تحمیل کنند.

منصور اسانلو، رییس اتحادیه کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه، با وجود این که سیاست رادیکال و مخالفی با حکومت اسلامی نداشته، اما صرفا به دلیل این که اقدام به برپایی تشکل کارگری و

اعتصاب کرده بود هم چنان در زندان است و با وجود بیماری شدید چشمی و نیاز مبرم به مداوا، نه تنها اجازه مرخصی و معالجه به وی داده نمی‌شود، بلکه فراتر از آن، انواع توطئه‌ها و پرونده‌ها برای وی می‌سازند.

سی و یک سال است که حکومت اسلامی با تمام جناح‌هایش، به سرکوب و کشتار مردم و غارت ثروت‌های کشورهای مشغولند. این حکومت در سال‌های نخست حاکمیت‌اش و در دهه شصت ده‌ها هزار انسان را در زندان‌ها کشتند. جمال چراغ‌ویسی، روز کارگر سال ۱۳۶۲ تنها به دلیل سخنرانی در رابطه با این روز بازداشت و اعدام کردند. صدها تن از فعالین سیاسی اپوزیسیون را در داخل و خارج کشور ترور کردند. در دهه هفتاد واقع ۱۸ تیر را به وجود آوردند و ترورهای موسوم به «قتل‌های زنجیره‌ای» را راه انداختند که ده‌ها تن از نویسندگان و مخالفین را کشتند. هم‌اکنون ده‌ها تن از فعالین جنبش کارگری، جنبش زنان زنان، جنبش دانش‌جویی، فعالین اعتراضات معلمان، نویسندگان، روزنامه‌نگار و هنرمند در زندان بسر می‌برند. قطعاً در روز اول ماه می، یکی از شعارها نه تنها آزادی فعالین کارگری، بلکه آزادی همه زندانیان سیاسی است.

در سال گذشته، در جریان اعتراضات مردمی، هزاران نفر دستگیر و زندانی شدند؛ صدها نفر در خیابان‌ها و زندان‌ها توسط نیروهای امنیتی حکومت و شکنجه‌گران آن جان باختند. تعداد بی‌شماری از مردم حق‌طلب زخمی و معلول شدند. دست کم ده تن از جان‌باختگان اعتراضات سال گذشته، کارگر بودند که در سایت‌های اینترنتی اسامی آن‌ها اعلام شده است. اسامی کارگران جان‌باخته به این شرح است:

۱. محمود رئیسی نجفی؛ ۲. بهمن جنابی خوش، ۱۹ ساله، کارگر لوله‌کش و تاسیسات لوازم برقی؛
۳. احمد نجاتی، ۲۲ ساله که با ضربات باتون جان باخت؛ ۴. سجاد قائد رحمتی، اهل درود لرستان؛
۵. حسین اختر زند، اهل اصفهان؛ ۶. فرزاد جشنی ۱۹ ساله، اهل ایلام؛ ۷. ابوالفضل عبداللهی، برق-کار که بر اثر اصابت گلوله به سرش جان داد؛ ۸. سعید عباسی، ۲۸ ساله که در اثر شلیک گلوله پاسداران جان خود را از دست داد؛ ۹. میثم عبادی، ۱۷ ساله، کارگر فرش فروش، در فلکه صادقیه با اصابت گلوله به شکمش جان باخت و ۱۰. عباس دیسناد، کارگر بازاری، ۴۸ ساله در اثر ضربات باتون بر سرش جان خود را از دست داد.

در قرن بیست و یکم، اکثریت عظیم مردم جهان، برده اقلیتی سرمایه‌دار هستند. آمار رسمی در جامعه متمدن و پیشرفته‌ای چون آمریکا، یعنی ثروتمندترین کشور دنیا، اعلام کرده است که یک درصد جمعیت آن کشور، نود درصد ثروت را در اختیار دارند. این یک درصد صاحب سرمایه‌های این کشور پهناور هستند. یک درصدی که دولت و همه ابزارهای قدرت را در دست دارد نه تنها مردم آمریکا را شدیداً استثمار می‌کند، بلکه در سطح جهانی نیز با شرکت‌های بزرگ خود بخشی از نیروی کار جهان را نیز مستقیماً استثمار کرده و به این هم راضی نمی‌شود و در راستای منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی خود، کودتاهای نظامی و جنگ‌های خانمانسوز راه می‌اندازد. وضعیت حاکم بر جامعه آمریکا، کمابیش در تمام دنیا و در بسیاری از کشورهای جهان فاجعه‌بار حاکم است. یونان، در قلب اروپا، در بحران عمیق سرمایه‌داری به سر می‌برد.

در ایران، که یکی از کشورهای ثروتمند منطقه به شمار می‌آید و بر روی دریایی از منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز خوابیده است فاصله طبقاتی روزبروز عمیق‌تر گشته و رقم فقر و محرومان جامعه بیش‌تر و بیش‌تر می‌شود. اکنون اکثریت جامعه ایران، از یک سو در اثر سانسور و اختناق و سرکوب و از سوی دیگر، در اثر فقر و فلاکت اقتصادی فزاینده با ساترس و ترس دائمی زندگی سختی را می‌گذرانند. سران و مقامات عالی‌رتبه حکومت اسلامی، در سه دهه حاکمیت خود، با غارت و چپاول اموال عمومی کشور و حتا دست‌درازی به سفره خالی کارگران، در ردیف بزرگ‌ترین ثروتمندان جهان قرار گرفته‌اند. حکومتیان و مقامات عالی‌رتبه حکومت و نزدیکان آن‌ها، آیت‌الله‌های ریز و درشت و آقازاده‌های آن‌ها، سران سپاه و بسیج و اطلاعات و لباس شخصی‌ها و غیره در دنیایی از ثروت و نعمت می‌لوندند در حالی که طبق آمارهای رسمی خودشان، حدود ۸۰

درصد مردم ایران، زیر خط فقر زندگی می کنند. حداقل دست مزد در ایران، یک سوم خط فقر رسمی است. از عوارض این فقر فزاینده، رشد بی سابقه آسیب های اجتماعی در ایران است که اکنون به حد فاجعه بار و بحرانی رسیده است. اعتیاد، فحشاء، خودکشی، افسردگی و غیره ناشی از این فقر و فلاکت اقتصادی در جامعه مان بی داد می کند. علاوه بر این ها، سرکوب های سیاسی در خیابان ها و تحقیر و توهین به زنان و جوانان، شکنجه و اعدام و کشتن زندانیان در زیر تجاوز جنسی و شکنجه در زندان های سراسر ایران، پایه های اصلی حکومت رعب و وحشت اسلامی را تشکیل می دهند. عامل اصلی این وضعیت و همه بدبختی ها و مصائب جامعه ما، یک اقلیت ناچیز سرمایه دار و حکومت جانی آن هاست!

زنان در ایران، به ویژه زنان کارگر علاوه بر تحمل سرکوب سیستماتیک در محل کار و جامعه و خانه، به مراتب شرایط دلخراش تری نسبت به همکاران مرد خود دارند. زنان خانه دار، در کنج خانه ها محبوس شده اند.

سه چهار میلیون از فرزندان خانواده های کارگری و فقیر به دلیل فقر از تحصیل باز مانده و اجبارا به کارهای سخت و خطرناک وادار شده اند.

در هر گوشه جامعه ایران نگاه کنیم نان آوران کوچکی را می بینیم که به کارهای سخت مزدی مشغولند. سر چهارراه پرخطر گل فروشی، تمیز کردن شیشه ماشین ها، فال فروشی، آدامس و شربنی فروشی، واکس زنی و غیره در مقابل چشمان همه صورت می گیرد. اما هیچ مقام و مسئول دولتی را عذاب وجدان نمی کند؟! کارگاه های کم نور زیرزمینی، مغازه های کوچک صنعتی، واحدهای تولیدی، کار خانگی، مزارع، دامداری ها، کوره پرخانه ها، کودکان ازدواج کرده و... صدها کودک را هم چون برده و نیروی کار ارزان و ساکت در خود جای داده اند، بی آن که آینده نگران آن ها، حتا لحظه ای هم به دغدغه و مشغله سرمایه داران و حکومت آن ها تبدیل شود.

هزاران هزار کودک کار دیگر، صبح تا شب به زباله گردی، تکدی گری در سر چهارراه ها به چشم می آیند و عده ای هم پنهان و آرام به عنوان قربانیان جنسی، حمل کننده مواد مخدر و... تلف می شوند.

براساس گزارشات مسئولین کانون های حمایتی کودکان و نوجوانان و مشاهدات روستاهای تبریز، بالاترین آمار مربوط به کودکان کار در قالی باف خانه ها و یا کارگاه ها را دارند که بهترین قالی ها را با ارزان ترین قیمت می بافند. چرا که گره های در هم تنیده شده توسط انگشتان ریز کودکان به خوبی بافته می شود. سختی کار کودک در روستاهای زابل، زاهدان، سیستان و بلوچستان، بسیار چشم گیر است و این مساله بیش تر شامل دختران کار است که عمدتا در معرض انواع آسیب های جسمی، جنسی، روحی و عاطفی قرار دارند.

حکومت اسلامی ایران، شرایطی را در جامعه ایران به وجود آورده است که این کشور، بهشت سرمایه داران و نیروی کار ارزان محسوب می شود.

این حکومت، صنایع و کارخانه های کشور را به نابودی کشانده و کارگران شاغل و خانواده آن ها را نیز در ترس دائمی ناشی از بی کاران شدن قرار داده است. در حالی که میلیون ها انسان در سراسر کشور، بی کار هستند.

برای نمونه، خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی در قزوین، گزارش داده است: قرارداد بیش از بیست هزار کارگر استان قزوین که در اسفند ماه سال گذشته به اتمام رسیده بود تمدید نشده و عملا این تعداد به بی کاران استان قزوین افزوده شده است. احمدی، رییس کانون شوراهای کار استان قزوین، در جمع خبرنگاران در محل این کانون در شهر صنعتی البرز با بیان این گفت، یکی از معضلات بخش کارگری رکود فعالیت واحدهای تولیدی است و بیش از ۵۰ درصد واحدهای تولیدی استان قزوین کم تر از نصف ظرفیت خود تولید دارند و همه امکانات جهت تولید فراهم است اما به دلایل اقتصادی واحدهای تولیدی قادر به استفاده از تمام ظرفیت خود نیستند.

احمدی، افزود: کارخانه چینی البرز بیش از ۱۲ میلیارد تومان تسهیلات کارگری تاکنون گرفته و بدهی این واحد به بانک ها هم اکنون به ۱۸ میلیارد تومان افزایش یافته و اخیرا هم انحلال خود را اعلام کرده است و با وجود این همه تسهیلات واحد تولیدی را به تعطیلی کشانده است.

علیرضا محبوب، نماینده مجلس ارتجاع و دبیر خانه کارگر که قبل از تصویب طرح هدفمند شدن یارانه ها به دولت در خصوص وخیم تر شدن وضعیت معیشتی کارگران هشدار داده بود، می گوید: افزایش ۷۰ درصدی اخراج کارگران در نیمه اول سال ۸۹ به دلیل ناتوانی کارفرمایان از پرداخت حقوق به کارگران به خاطر ترس از اجرای طرح هدفمند شدن یارانه ها است.

محبوب، خبر اخراج ۲۰۰ هزار نفر در سال گذشته را تایید کرد و افزود: اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها رکود را تشدید و وضعیت معیشتی کارگران را بدتر خواهد کرد.

در دنیایی که در آن کودک به جای درس و تفریح به کارهای سخت و خطرناک مزدی وادار می شود و انسان و انسانیت زیر پای سرمایه داران و حکومت های آن ها در سراسر جهان له می شود. دنیایی که یک مشت اقلیت با اتکا به دولت و ارگان های سرکوب آن، اکثریت مردم را استثمار می کنند و هدف شان جز کسب سود بیش تر چیز دیگری نیست، دنیای وارونه ای است که باید آن را سرنگون کرد و دنیایی آزاد و برابر و شایسته انسان برپا کرد.

سرمایه داری، علاوه بر کشیدن شیره جان کارگران، حتا قربانیان زیادی از طبقه کارگر می گیرد. بنا به گزارش سازمان جهانی کار، روزانه حدود ۶ هزار و ۳۰۰ کارگر در اثر بیماری و صدمات ناشی از کار جان خود را از دست می دهند.

بر اساس همین گزارش که به مناسبت ۲۸ آوریل روز جهانی همدردی با آسیب دیدگان حوادث ناشی از کار منتشره شده است تعداد حوادث شغلی طی یک سال به ۳۳۷ میلیون مورد می رسد که اکثر آن ها به معلولیت و غیبت ناگزیر کارگران از کار منجر می گردد.

روز جهانی کارگر، روزی کارگران و همه محرومان و ستم کشان و آزادی خواهان است. مسلما برای رسیدن به آزادی باید همه عوامل آن و به ویژه استثمار و فقر را برانداخت و از سرمایه داران و حکومت آن ها خلع ید کرد. و هم از نظر سیاسی و هم به لحاظ اقتصادی باید از حاکمیت کنار زده شود.

این روز برای نخستین بار در سال ۱۹۸۵ میلادی از سوی کنگره کار کانادا گرامی داشته شد و از آن پس؛ مراسمی به این مناسبت در سراسر جهان برگزار می شود.

در ایران نیز ۱۰ تشکل کارگری، با انتشار بیانیه ای به مناسبت این روز، از نبود ایمنی در محیط های کار و حوادث ناشی از کار انتقاد کردند. به گفته این تشکل های کارگری، افزایش حوادث در سال های گذشته نشان می دهد که حفاظت از جان کارگران، پاسخ گویی به مطالبات عادلانه آنان و بهبود شرایط کار، در دستور کار سیستم مدیریتی موجود قرار ندارد.

در مورد آمار حوادث شغلی در ایران، آمارهای واقعی داده نمی شود و آمارهایی که سازمان تامین اجتماعی منتشر می کند شامل مواردی است که زیر پوشش خدمات اجتماعی یا بیمه اجتماعی قرار دارند. در حالی که میلیون ها کارگر خارج از شمول قانون کار قرار دارند و وقایعی که مثلا در کارگاه های زیر ده نفر کارگر اتفاق می افتد هیچ جا ثبت نمی شود. بر این اساس، حتا در آمارهای دولتی نیز اقرار می شود که مسئول ۸۰ تا ۹۰ درصد از حوادث کار، کارفرمایان و عدم نظارت دولتی است.

تحمل این وضعیت فلاکت بار و غیرانسانی که حکومت اسلامی به بار آورده است شایسته هیچ انسانی نیست. بر این اساس باید روز جهانی کارگر امسال را به روز محاکمه سرمایه داران و حکومت آن ها و به روزی که برانداختن آن و نابودی ماشین دولتی، به مهم ترین مساله و مشغله سیاسی طبقه کارگر و همه نیروهای مدافع آن تبدیل می شود. تحولات بنیادی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه، با مخدوش کردن مرزهای طبقاتی و توهم آفریدن برای جناح اصلاح طلبان حکومت و حامیان راست و لیبرال و رفرمیست آن ها در داخل و خارج کشور، امکان پذیر نیست، بلکه امر مستقیم کارگران و مردم آزاده است که برای جامعه کنونی ایران، آلترناتیو انسانی تری دارند. آلترناتیوی که

اگر تحقق پیدا کند، احترام به حرمت و موجودیت و حقوق فردی و اجتماعی انسان‌ها بالاتر از هر منفعت و مصلحت حکومت است. آلترناتیوی که سرانجام مالکیت خصوصی و کار مزدی را از بین می‌برد و دنیای برابری هم همه انسان‌ها بدون در نظر گرفتن جنسیت، ملیت و باورهای سیاسی و مذهبی، به ارمغان می‌آورد. دعوای کنونی حکومتیان و حامیان داخلی و بین‌المللی آن‌ها، دعوایی بر سر تقسیم قدرت و ثروت در چهارچوب همین حکومت جانی است. در حالی که دعوای طبقه کارگر با سیستم سرمایه‌داری و کلیه جناح‌های حکومت اسلامی و هم‌چنین گرایش‌های راست و لیبرال و رفرمیست و فرصت‌طلب است. این آلترناتیو، برقراری سوسیالیسم، یعنی رهایی نه تنها طبقه کارگر، بلکه کل جامعه است.

امسال در حالی که استقبال روز جهانی کارگر می‌رویم که اکثریت مردم جامعه ما، در یک سال گذشته به خیابان‌ها ریختند و با صدای بلند فریاد زدند: حکومت اسلامی را نمی‌خواهیم. دیگر جهل و جنایت بس است! در چنین موقعیتی، روز اول ماه مه، روز راه پیمایی اکثریت مردم ایران بر علیه حکومت اسلامی است. مردم آگاهی که می‌دانند هر درجه‌ای از خواست‌ها و مطالبات کارگران به سرمایه‌داران و حکومت آن‌ها تحمیل شود به همان درجه فضای سیاسی در جامعه نفع برای برداشتن گام‌های محکم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مساعدتر می‌گردد و به نفع کل جامعه است. یعنی رهایی کارگران، رهایی کل جامعه از هرگونه نابرابری، تبعیض، ستم و استثمار است به همین خاطر، منافع کارگران ایران با منافع اکثریت مردم این کشور و حتی مردم جهان، ارتباط دارد.

کارگران، مردم محروم و آزادی‌خواه در این روز، دست به نمایش قدرت طبقاتی می‌زنند و علیه سرمایه‌داران و حکومت آن‌ها سخن می‌گویند. طبقه کارگر در این روز، با شعار آزادی، برابری، رفاه، عدالت اجتماعی و هم‌چنین شعارهایی چون برابری زن و مرد در همه شئون اجتماعی، لغو کار کودکان، به رسمیت شناختن آزادی بیان و قلم و اندیشه و تشکل، آزادی همه زندانیان سیاسی، آزادی احزاب و تشکل‌های دمکراتیک، آزادی زبان و دیگر حقوق «ملیت‌های» تحت ستم، جدایی کامل دین از دولت و آموزش و پرورش و دستگاه قضایی، پرداخت یک جای دست‌مزد معوقه، تعیین سطح دست‌مزد متناسب با تورم و گرانی واقعی، برقراری بیمه‌های اجتماعی مکفی به ویژه بیمه بی‌کاری برای همه بی‌کاران کشور، لغو کارهای موقت و استخدام دائمی همه مزدبگیران و... شکی نیست که مراسم‌های اول ماه مه امسال، آماده‌تر از سال‌های گذشته است بنابراین، دور از انتظار نیست که این روز و رویدادها و وقایع پس از آن، به یک نقطه عطفی در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران منجر شود.

حکومت اسلامی، در حال حاضر منفورتر و ضعیف‌تر از گذشته است. اکنون نه تنها اختلاف و کمشکس بین جناح غالب و جناح مغلوب آن، بلکه بین خود اصولگرایان و طرفداران خامنه‌ای و دولت نیز در حال گسترش است. این حکومت در بحران سیاسی و اقتصادی فرو رفته و روزبروز بر باتلاقی که خودش درست کرده است در حال غرق شدن است. حتی برخی مقامات و ارگان‌های حکومتی نیز با نگرانی پیش‌بینی کرده‌اند که در سال جاری، با اجرای حذف یارانه‌ها و آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی، میزان تورم به طور بی‌سابقه افزایش خواهد یافت. بانک مرکزی، میزان افزایش نرخ تورم را حداقل ۳۰ درصد و مرکز پژوهش‌های مجلس حکومت، میزان تورم را تا ۵۰ درصد ارزیابی می‌کنند.

وضعیت صنعت کشور در طی سال‌های اخیر در کنار وضعیت کارگران صنعتی به خوبی نشان می‌دهد که کارگران صنعتی با چه دشواری‌ها و نرگاین‌هایی دست و پنجه نرم می‌کنند. به طوری که بررسی تولید ۴۰ درصدی کارخانه‌های صنعتی در سال گذشته و بی‌کاری کارگران کارخانه‌های مختلف کشور به دنبال موج بحران اقتصادی جهانی سبب شد تا وضعیت اشتغال کارگران صنعتی با دشواری‌های متعددی مواجه شود.

این در حالی است که مقامات حکومتی از رهبر تا رییس‌جمهوری و وزرا و مسئولین با وجود رکود حاکم بر صنعت و اقتصاد کشور، همواره بر افزایش رشد بخش صنعت کشور تاکید کرده‌اند و حتی

بارها با بازی با آمارهای من درآوردی و غیرواقعی، وضعیت صنعت کشور را در شرایط مناسبی ارزیابی کرده اند تا تولیدکنندگان و شهروندان با خیال آسوده در فقر و بی کاری بسوزند و بسازند. در حالی که کارشناسان، ادامه روند نامطلوب فعالیت های صنعت و معدن از سال های گذشته تاکنون و در اثر واردات فزاینده کالا به کشور می دانند به طوری که نمونه مشهود بحران موجود در این بخش را می توان در استمهال یک ساله بدهی ۶۷۰۰ واحد تولیدی مشاهده کرد که این حجم بدهی بالغ بر ۲۵ هزار میلیارد ریال برآورد شده است، حال آن که بانک مرکزی نیز اعلام می کند رقم مطالبات معوق بانکی به ۴۰۰ هزار میلیارد ریال رسیده بود از طرفی این تعداد از واحدهای تولیدی که با استمهال بدهی آن ها موافقت شده تنها بخشی از صنایع بحران زده کشور به شمار می روند و کارگروه حمایت از تولید هم چنان در جستجوی راه حل دیگری برای رسیدگی به چالش های دیگر واحدهای تولیدی است.

بنابر اظهارات سرمایه داران بخش خصوصی طی سال های اخیر، بسیاری از واحدهای تولیدی کشور از ادامه فعالیت بازمانده اند که در این ارتباط رییس اتاق بازرگانی، از توقف کامل تولید در ۵۰ درصد از واحدهای تولیدی کشور خبر داده بود. حتا بسیاری از تولیدکنندگان داخلی می گویند تنها ۳۰ تا ۴۰ درصد از ظرفیت های تولیدی آن ها فعال است و به دلیل وجود مشکلاتی مانند کمبود شدید نقدینگی، مطالبات معوق بانکی، رشد هزینه های تولید و عدم رقابت پذیری تولیدات داخلی در مقایسه با کالاهای مشابه خارجی امکان ادامه فعالیت برای آن ها وجود ندارد. در چنین شرایطی، مقامات و مسئولین حکومتی روز روشن یک مشت دروغ تحویل مردم می دهند و ثروت های جامعه را به غارت می برند.

بی شک در چنین شرایط موجود و حساس کشور، امر تشکل یابی و اتحاد و همبستگی کارگران و مردم محروم و هم چنین جنبش های اجتماعی و نبرد بی وقفه علیه حکومت اسلامی، از اولویت ویژه برخوردار است.

مبارزه متشکل و هدفمند و آگاهانه نقش موثر و تعیین کننده ای در رشد و گسترش و تداوم اعتصابات کارگری و سراسری شدن آن ایفا می کند و عامل تعیین کننده ای در تقویت و گسترش جنبش اعتراض مردم بر علیه حکومت اسلامی است.

مسلم است که نباید طبقه کارگر ایران، فرصت های تاریخی را از دست بدهد بنابراین، تا دیر نشده باید به سرعت نیروهای این طبقه خود را متحد و متشکل سازند تا بتوانند با استراتژی سوسیالیستی خود، وضع موجود را به نفع خود و کل جامعه تغییر دهند.

اما تا آن جا که به برگزاری مراسم روز اول ماه می مربوط است، می توان پیش بینی کرد که فعالین کارگری سراسر کشور، به ویژه کارگران کمونیست، با اتکا به تجارب مبارزاتی تاکنونی خود و هم طبقه ای هایشان در جهان و هم چنین با اتکاء به تشکل های کارگری موجود، تدارک برگزاری مراسم و آکسیون های قدرتمند و با شکوهی دیده باشند و با آمادگی بیش تری به میدان آیند و اول ماه مه امسال را هر چه با شکوه تر برگزار کنند!

نبرد بی وقفه و بی امان کارگران، در روز اول ماه مه به اوج خود می رسد و نمایش قدرت عظیم طبقاتی و اتحاد و همبستگی کارگران و مردم محروم و آزادی خواه را در سطح جهانی به نمایش می گذارد. این روز تجلی همبستگی کارگران جهان، مستقل از جنسیت، مذهب، نژاد، نوع کار و... علیه ستم و استثمار سرمایه داری است. اتحاد و همبستگی با شکوهی که نویدبخش رهایی انسان از قید و بند سرمایه و کار مزدی است. اول ماه مه، پرچم مبارزه ای جهانی است که کل جامعه بشری را به برپایی دنیایی بهتر فرامی خواند. دنیایی که با درهم کوبیدن سیستم سرمایه داری، نظام نوینی بر پایه آزادی و برابری بنا می نهد. نظامی که در آن، تبعیض و نابرابری جایی ندارد و هیچ انسانی انسان دیگر را استثمار نمی کند.

منبع: سایت دیدگاه